

درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی (رویکرد تطبیقی)

دکتر ماجد عرسان کیلانی

ترجمه، تلخیص و اضافات:
بهروز رفیعی

پاییز ۱۳۹۴

Kilani, Majid

کیلانی، ماجد عرسان، ۱۹۳۷-

فلسفه التربیه الاسلامیه: دراسة مقارنة بين فلسفة التربية الاسلامية والفلسفات التربوية المعاصرة. فارسی. برگزیده.
درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی (رویکرد تطبیقی) / ماجد عرسان کیلانی؛ ترجمه، تلخیص و اضافات بهروز رفیعی. —
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت): مرکز تحقیق و توسعه
علوم انسانی، ۱۳۹۴.
ده، ۳۵۰ص: — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۳۱۰. علوم تربیتی، ۴۰ (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها
(سمت): مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۸۵۳. علوم تربیتی، ۱۲۹)
بها: ۱۳۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-106-6

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه. ص. [۳۲۳] - ۳۲۸. همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

۱. اسلام و آموزش و پرورش — فلسفه — مطالعات تطبیقی. ۲. آموزش و پرورش — فلسفه. الف. رفیعی، بهروز، ۱۳۳۶.
مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). د. عنوان.
۲۹۷/۴۸۳۷ BP۲۳۰/۱۸/ک۹ف۸۰۴۲۱۴۱۳۹۴
۳۹۱۴۰۲۱ کتابخانه ملی ایران



درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی (رویکرد تطبیقی)

تألیف: دکتر ماجد عرسان کیلانی

ترجمه، تلخیص و اضافات: بهروز رفیعی، brafiee@rihu.ac.ir

ناشران: «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه»، «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)»

صفحه آرای: اعتصام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سمت

چاپ: یاران (قم)، صحافی: زرین (قم)

قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰.

ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۷۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اسکو، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸-۰۲۱.

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، رو به روی پمپ گاز، کد پستی: ۱۴۶۳۶ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها

(سمت)، تلفن ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر ۴۴۲۴۸۷۷۷ • تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir



تمام انبیاء بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع عملشان، انسان است. آمده‌اند
انسان را تربیت کنند، آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی
ما فوق الطبیعة تا ما فوق الجبروت برسانند.

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، پنجاه و ششمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی (رویکرد تطبیقی) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود ما را در جهت اصلاح این اثر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز از آقای بهروز رفیعی که ترجمه، تلخیص و اضافات اثر را بر عهده داشته‌اند و همچنین ارزیاب اثر آقای سیدعلی حسینی‌زاده تشکر و سپاسگزاری کنیم.

فهرست مطالب

دیاچه.....	۱
------------	---

بخش اول: اهمیت پژوهش در فلسفه تربیت اسلامی

فصل اول: مفهوم و محتوا و جایگاه فلسفه تربیت.....	۹
۱. تعریف فلسفه تربیت.....	۹
۲. محتوای فلسفه تربیت.....	۱۰
۳. جایگاه فلسفه تربیت در فعالیت تربیتی.....	۱۱
۴. نسبت فلسفه تربیت اسلامی با فلسفه اسلامی.....	۱۲
۵. آبخور فلسفه تربیت اسلامی.....	۱۳
فصل دوم: بی‌ثباتی مفهوم فلسفه تربیت در پژوهش‌های غرب.....	۱۷
۱. پیدایش فلسفه‌های تربیتی معاصر.....	۱۸
۲. وقوع چالش میان سه فلسفه اصلی تربیتی.....	۲۰
۳. فراوانی فلسفه‌های تربیتی و ناسازواری آنها با یکدیگر.....	۲۱
۴. بالا گرفتن تنش میان فلسفه‌های تربیتی گوناگون.....	۲۴
۵. تلاش‌هایی برای برون‌رفت از بحران موجود در حوزه تربیت.....	۲۷
فصل سوم: فلسفه تربیتی دیگر: رهایی‌بخش انسان از بحران کنونی.....	۳۷
فصل چهارم: نیاز نظام‌های تربیتی جهان اسلام به فلسفه تربیت اسلامی.....	۴۳

بخش دوم: طبیعت انسان در فلسفه تربیت اسلامی

فصل اول: منشأ انسان و تحول طبیعت او.....	۵۱
نقد و رد دیدگاه داروین.....	۵۲

۵۴	نگرش اسلام نسبت به پیدایش انسان
۵۶	بشر و انسان در قرآن کریم
۵۶	شواهد قرآنی تفاوت بشر با انسان
۶۳	فصل دوم: ضعف طبیعت انسان
۶۶	شواهدی بر بینش‌های قرآنی درباره ضعف طبیعت انسان
۶۶	۱. شواهدی از تاریخ انسان
۶۶	۲. شواهدی از روان‌شناسی انسانی
۶۸	۳. شواهدی از وضع اجتماعی انسان
۷۱	فصل سوم: مؤلفه‌های طبیعت انسان
۷۱	۱. نکوگوهری انسان
۷۲	۲. نفس بشری
۷۵	۳. نفس انسانی
۸۱	فصل چهارم: نیاز انسان به تربیت میانه

بخش سوم: هستی‌شناسی در فلسفه تربیت اسلامی

رابطه انسان با: آفریدگار، طبیعت، دیگر انسان‌ها، زندگی، آخرت

۸۹	فصل اول: رابطه انسان با آفریدگار: عبادت
۹۰	۱. مفهوم عبادت
۹۳	۲. نمودهای عبادت: نمود آیینی، نمود اجتماعی، نمود آفاقی
۹۴	۳. تعامل میان نمودهای سه‌گانه آیینی و اجتماعی و آفاقی عبادت
۹۸	۴. ارتباط میان عبادت و علم
۹۹	۵. پیامدهای نبود عبادت در تربیت جدید
۱۱۵	فصل دوم: رابطه میان انسان با طبیعت: تسخیر
۱۱۶	۱. مفهوم تسخیر
۱۱۶	۲. هدف‌های تسخیر
۱۱۸	۳. حوزه‌های تسخیر
۱۲۱	۴. رابطه تسخیر با پیشرفت و تربیت
۱۲۱	۱. استفاده شایسته از استعداد‌های انسان
۱۲۲	۲. وسائل تسخیر
۱۲۳	۵. فقدان رابطه تسخیر در مراکز تربیت اسلامی
۱۲۴	۶. رابطه تسخیر و چالش با طبیعت در فلسفه‌های تربیتی معاصر در غرب
۱۲۹	فصل سوم: رابطه انسان با انسان: عدل و احسان

۱۳۰	۱. رابطه عدل.....
۱۳۰	الف) حوزه‌های عدل.....
۱۳۲	ب) رابطه عدل و تراز فرهنگی جوامع.....
۱۳۳	۲. رابطه احسان.....
۱۳۴	الف) حوزه‌های احسان.....
۱۳۶	ب) آثار و اهداف احسان.....
۱۳۷	۳. تربیت و رابطه عدل و احسان.....
۱۳۸	۴. خطر نبود رابطه عدل و احسان.....
۱۴۱	۵. نبود رابطه عدل و احسان در فلسفه‌های تربیتی غرب و تکیه بر مفاهیم داروینی.....
۱۴۳	۶. داروینیسم اجتماعی و فلسفه پراگماتیسم.....
۱۵۳	فصل چهارم: رابطه انسان با زندگی: ابتلا
۱۵۴	۱. مفهوم ابتلا و غایت آن.....
۱۵۴	۲. حوزه‌ها و گونه‌های ابتلا.....
۱۵۹	۳. دو سویه بودن ابتلای بشر.....
۱۶۰	۴. رابطه ابتلا و تربیت.....
۱۶۱	۵. قوانین ابتلا.....
۱۶۴	۶. پیوستگی ابتلا و تحول آن.....
۱۶۴	۷. ابتلا و ناهمسانی و نابرابری.....
۱۶۵	الف) مفهوم ناهمسانی و نابرابری.....
۱۶۷	ب) حکمت ناهمسانی و نابرابری.....
۱۶۸	ج) نابرابری و تقسیم فراگیران.....
۱۶۹	۸. نابرابری و طبقاتی بودن در فلسفه‌های تربیتی غرب.....
۱۶۹	۹. ابتلا و فتنه.....
۱۷۰	۱۰. رابطه ابتلا و رابطه بهره‌وری در فلسفه‌های تربیتی غرب.....
۱۷۹	فصل پنجم: رابطه انسان با آخرت: مسؤولیت و پاداش
۱۷۹	۱. معنای مسؤولیت.....
۱۸۰	۲. ارتباط مسؤولیت با عبادت.....
۱۸۱	۳. مراتب مسؤولیت.....
۱۸۳	۴. رابطه مسؤولیت اجتماعی و مسؤولیت اخروی.....
۱۸۳	۵. رابطه مسؤولیت در فلسفه تربیت اسلامی و نظریه حقوق در فلسفه‌های تربیتی نوپدید.....
۱۸۶	۶. پیامدهای نبود رابطه مسؤولیت در تربیت معاصر.....

بخش چهارم: نظریه شناخت در فلسفه تربیت اسلامی

فصل اول: معنای شناخت و اهمیت و هدف آن.....	۱۹۵
۱. معنای شناخت.....	۱۹۵
۲. هدف شناخت.....	۱۹۷
۳. اهمیت شناخت.....	۱۹۸
فصل دوم: آبخشور شناخت و نقش انسان در آن.....	۲۰۳
فصل سوم: حوزه‌های شناخت.....	۲۰۷
۱. حوزه غیب.....	۲۰۷
۲. حوزه شهادت.....	۲۰۸
۳. همکاری و رابطه عالم غیب با عالم شهادت.....	۲۰۹
۴. قوانین حوزه‌های شناخت.....	۲۰۹
۱. جفت بودن.....	۲۰۹
۲. سببیت.....	۲۱۰
۳. وحدت و کثرت.....	۲۱۱
۴. قانونمندی.....	۲۱۲
۵. خلق مداوم و تحول آن.....	۲۱۳
فصل چهارم: ابزارهای شناخت: وحی، عقل، حواس.....	۲۱۷
۱. همکاری وحی و عقل و حواس در حوزه شناخت.....	۲۱۸
فصل پنجم: اهل شناخت: پیامبران و عالمان.....	۲۳۳
۱. گروه پیامبران.....	۲۳۳
۲. گروه عالمان.....	۲۳۴
مصادیق گروه عالمان.....	۲۳۴
۳. گروه معلمان و واعظان.....	۲۳۵
۴. همکاری میان گروه‌های شناخت.....	۲۳۵
فصل ششم: زبان شناخت.....	۲۳۹
۱. اهمیت زبان در حوزه شناخت.....	۲۳۹
۲. خاستگاه زبان و اقسام الهی و بشری آن.....	۲۴۰
۳. مشکل درآمیختن زبان الهی با زبان بشری.....	۲۴۱
۴. زبان شناخت و زبان شاعری.....	۲۴۱
۵. تربیت و زبان شناخت.....	۲۴۴
فصل هفتم: حقیقت و گونه‌های آن.....	۲۴۹
۱. گونه‌های حقیقت براساس منبع آن.....	۲۴۹

۲۴۹	 ۲. تصرف در جایگاه حقایق
۲۵۱	 ۳. گونه‌های حقیقت براساس موضوع آن
۲۵۵	فصل هشتم: همکاری علوم دینی و طبیعی و تأثیر آن بر شکوفایی و فروپاشی تمدن‌ها
۲۵۷	 الف) در تمدن اسلامی
۲۵۸	 ب) در تمدن معاصر غرب

بخش پنجم: نظریه ارزش‌ها در فلسفه تربیت اسلامی

۲۶۳	فصل اول: مفهوم، اهمیت و تقسیم ارزش‌ها
۲۶۳	 معنای ارزش
۲۶۴	 ۱. تقسیم ارزش‌ها
۲۶۵	 ۲. اهمیت بحث درباره ارزش‌ها
۲۶۵	 ۳. افزایش اهمیت ارزش‌ها در جهان معاصر
۲۷۳	فصل دوم: تقسیم‌بندی اسلامی ارزش‌ها
۲۷۴	 ارزش‌های تقوا
۲۷۴	 ۱. معنای تقوا
۲۷۴	 ۲. ابعاد ارزش‌های تقوا
۲۷۴	 ۳. محور ارزش‌های تقوا
۲۷۶	 ۴. سلسله مراتب هرمی ارزش‌های تقوا
۲۷۶	 الف) ارزش اسلام
۲۷۷	 ب) ارزش ایمان
۲۷۷	 ج) ارزش احسان
۲۷۷	 ۵. گستره ارزش‌های تقوا
۲۷۷	 ۶. تربیت و ارزش‌های تقوا
۲۷۹	 ۷. اهمیت ارزش‌های تقوا و نتایج آن
۲۸۰	 ارزش‌های کفر
۲۸۰	 ۱. معنای کفر
۲۸۰	 ۲. سلسله مراتب ارزش‌های کفر
۲۸۱	 الف) ارزش‌های کفر رفاه بیدردانه
۲۸۲	 نمودهای ارزش‌های کفر رفاه بیدردانه
۲۸۳	 ب) ارزش‌های کفر ناتوان شماری شدن
۲۸۴	 نمودهای ارزش‌های کفر ناتوان شماری شدن
۲۸۵	 ج) ارزش‌های کفر محرومیت

ارزش‌های نفاق.....	۲۸۹
۱. معنای نفاق.....	۲۸۹
۲. محورهای نفاق.....	۲۸۹
۳. نکته‌ای چند درباره تقسیم‌بندی اسلامی ارزش‌ها.....	۲۹۰
فصل سوم: چالش میان نظام‌های ارزشی و پیشرفت انسان	۲۹۷
قوانین چالش میان نظام‌های ارزشی.....	۲۹۸
الف) درگیری میان ارزش‌های تقوا و ارزش‌های کفر و نفاق.....	۲۹۸
ب) درگیری میان ارزش‌های کفر رفاه‌بیدردانه و کفر محرومیت.....	۳۰۲
تربیت و قوانین درگیری ارزش‌ها.....	۳۰۳
فصل چهارم: نقش تربیت در بهبود ارزش‌ها	۳۰۷
۱. بازنگری در ارزش‌ها.....	۳۰۷
۲. ایجاد هماهنگی در کار نهادهای تربیتی در حوزه ارزش‌ها.....	۳۰۸
۳. تکیه بر روش‌های درست تربیتی برای بازسازی ارزش‌ها.....	۳۰۸
۴. فراهم ساختن زمینه مناسب برای تثبیت ارزش‌های مثبت.....	۳۰۹
فصل پنجم: بحران ارزش‌ها در تربیت جدید	۳۱۳
۱. تناقض در مصادر ارزش‌ها.....	۳۱۵
۲. افراط فلسفه‌های تربیتی در تعیین معنای ارزش‌ها و تناقض آنها.....	۳۱۶
۳. دشواری تعیین معانی ارزش‌ها.....	۳۱۷
۴. سطحی بودن فرهنگ.....	۳۱۸

منابع و مأخذ	۳۲۱
---------------------------	-----

نمایه‌ها

نمایه آیات.....	۳۲۷
نمایه روایات.....	۳۳۰
نمایه اصطلاحات.....	۳۳۱
نمایه نوشتارها.....	۳۳۹
نمایه گسان.....	۳۴۴
نمایه مکان‌ها.....	۳۴۸
نمایه سازمان‌ها، نهادها، رخداد‌های تاریخی، مکاتب، گروه‌ها و... ..	۳۴۹

دیباچه

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مفهومی نوپدید در ادبیات تربیتی جهان اسلام است. گمان نمی‌رود پیشینه کاربرد این اصطلاح حتی به پنجاه سال هم برسد. نیز شمار آثاری که درباره فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و یا با عنوان فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی نگارش یافته است به بیست مورد هم نمی‌رسد. فقر نگارش، در حوزه متون آموزشی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بسیار شدیدتر است، چنان‌که تا آن‌مایه که آگاهی کتاب‌شناخت این قلم قد می‌دهد، می‌توان ادعا کرد که تاکنون متنی آموزشی درباره فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی قلمی نشده است.

کتابی که از منظر خواننده گرامی می‌گذرد، برگرفته از کتاب «فلسفه التربية الإسلامية: دراسة مقارنة بين فلسفة التربية الإسلامية والفلسفات التربوية المعاصرة»، حدیث خامه دکتر ماجد عرسان کیلانی است که به قلم قضا، پیش‌تر به کلک این قلمران به قلم پارسی درآمده و با عنوان «فلسفه تربیت اسلامی: مطالعه تطبیقی فلسفه تربیت اسلامی و فلسفه‌های تربیتی معاصر» منتشر شده است. اصل کتاب کیلانی، در شش بخش و سی و یک فصل سامان یافته است. کار حاضر از پنج بخش و بیست و شش فصل برآمده است.

در فصول چهارگانه بخش یکم که عنوان آن اهمیت پژوهش در فلسفه تربیت اسلامی است، به ترتیب از: مفهوم و محتوا و جایگاه فلسفه تربیت؛ بی‌ثباتی مفهوم فلسفه تربیت در پژوهش‌های غرب؛ فلسفه تربیتی دیگر: رهایی‌بخش انسان از بحران کنونی؛ نیاز نظام‌های تربیتی جهان اسلام به فلسفه تربیت اسلامی، سخن رفته است.

فصل‌های پنجم تا هشتم، در بخش دوم که عنوان آن طبیعت انسان در فلسفه تربیت اسلامی است، گنجانده شده با این عناوین: منشأ انسان و تحول طبیعت او؛ ضعف طبیعت انسان؛ مؤلفه‌های طبیعت انسان؛ نیاز انسان به تربیت میانه.

عنوان فصل‌های نهم تا سیزدهم که بخش سوم یعنی هستی‌شناسی در فلسفه تربیت اسلامی را

تشکیل داده‌اند چنین است: رابطه انسان با آفریدگار: عبادت؛ رابطه انسان با طبیعت: تسخیر؛ رابطه انسان با انسان: عدل و احسان؛ رابطه انسان با زندگی: ابتلا؛ رابطه انسان با آخرت: مسؤولیت و پاداش. بخش چهارم که نظریه شناخت در فلسفه تربیت اسلامی نام گرفته است در بردارنده فصل‌های چهاردهم تا بیست و یکم و با این عنوان‌هاست: معنای شناخت و اهمیت و هدف آن؛ آبخور شناخت و نقش انسان در آن؛ حوزه‌های شناخت؛ ابزارهای شناخت: وحی، عقل و حواس؛ اهل شناخت: پیامبران و عالمان؛ زبان شناخت؛ حقیقت و گونه‌های آن؛ همکاری علوم دینی و طبیعی و تأثیر آن بر شکوفایی و فروپاشی تمدن‌ها. فصل‌های بیست و دوم تا بیست و ششم در بخش پنجم که نظریه ارزش‌ها در فلسفه تربیت اسلامی خوانده شده، آمده است؛ با این عناوین: مفهوم، اهمیت و تقسیم ارزش‌ها؛ تقسیم‌بندی اسلامی ارزش‌ها؛ چالش میان نظام‌های ارزشی و پیشرفت انسان؛ نقش تربیت در بهبود ارزش‌ها؛ بحران ارزش‌ها در تربیت جدید.

بایستگی کار و وجه امتیاز آن

کتاب فلسفه تربیت اسلامی، مطالعه تطبیقی فلسفه تربیت اسلامی و فلسفه‌های تربیتی معاصر، که آبخور کتاب حاضر است، به علتی چند سزاوار بازنویسی و اصلاح بوده که این باریکه جستار جای بازشکافت آن نیست؛ از این رو، تنها به برشمردن شماری از برتری‌های کتاب کنونی از کتاب پیشین بسنده می‌شود:

۱. ستبری اصل کتاب، کما بیش به نیم کاهش یافته است؛
۲. مطالب برخی از فصول، مانند فصل یکم، بازسازی معنایی-ساختاری شده است؛
۳. پاره‌ای از اصطلاحات به کار رفته در کتاب ناهماهنگ می‌نمود؛ این دست ناموزونی‌ها، یکدست شده است؛
۴. از شمار آیات و روایاتی که ذیل موضوعی یگانه آمده و تکراری می‌نمودند، به گونه‌ای منطقی و روشمند کاسته شده است؛
۵. ترجمه آیات و روایات، بازبینی پی‌نهادی شده است؛
۶. تلاش شده است، متن کتاب روان‌تر از گذشته و به متون آموزشی نزدیک‌تر شود؛
۷. همه کتاب مطالعه و شاخ و برگ مطالبش هرس علمی شده است؛
۸. اندک مواردی که ترجمه ناراست می‌نمود، راست و درست شده است؛
۹. کتاب به طراحی آموزشی آراسته شده است؛
۱۰. به تاریخ زادن و مردن همه اعلام کتاب اشاره شده است؛

۱۱. معادل انگلیسی همه اعلام و شماری از واژگان که بایسته می نمود، در پانوشته آورده شده است.

شایسته است پیش از مطالعه این اثر به چند نکته عنایت شود:

۱. در آغاز کتاب به اهداف کلی کتاب اشاره شده، نیز در آغاز هر فصل از هدف‌های رفتاری آن فصل یاد شده است. هدف از این کار آشنایی خواننده با انتظارات کلی کتاب از خواننده است؛
۲. برای هر فصل چکیده‌ای فراهم شده است با عنوان خلاصه فصل که دربردارنده نکات اصلی هر فصل است؛
۳. پس از هر چکیده، برای مشارکت فعالانه خواننده در امر یادگیری و پرورش مهارت‌های تفکر در او، مجموعه‌ای از فعالیت‌های یادگیری با عنوان خودآزمون فصل آورده شده است که برگرفته از مهم‌ترین نکته‌های هر فصل است؛
۴. پیش از پاره پایانی هر فصل، موضوعی چند ذیل عنوان پرسش و پژوهش آمده است. هدف از این کار، آشنایی خواننده با شماری از موضوعات درخور پژوهش در حوزه مباحث مطرح شده در آن فصل است؛ این پرسش و پژوهش‌ها می‌توانند موضوع مقالات پژوهشی شوند؛
۵. فرجامین فراز هر فصل معرفی منابعی برای مطالعه فزون‌تر است. مطالعه این آثار می‌تواند در آشنایی بیشتر با موضوع هر فصل سودمند افتد؛
۶. برخی از فصول کتاب کوتاه افتاده است، این امر اگر کاستی بشمار رود به اصل کتاب باز می‌گردد. امید است این رخنه در چاپ‌های بعدی کتاب ترمیم شود؛
۷. فصل نخست کتاب ترکیبی است از مطالب برگرفته از فصول گوناگون خود کتاب که در کنار افزوده‌هایی، ساختار و بیانی تازه یافته است؛
۸. بخش پنجم که درباره ارزش‌هاست، در عین بداعت، نسبت به دیگر بخش‌ها کم‌بار می‌نماید، این کاستی جبران‌ناپذیر است و امید می‌رود در چاپ‌های پسین کتاب جبران شود؛
۹. بسیار تلاش شده است آیات و روایات، ترجمانی درخور شوند. نیز اصل آیات در متن آورده شده است تا خواننده را در آشنایی بیشتر با متن قرآن کریم و فارسی شده آن یاری رساند؛
۱۰. کوشش شده است در حد توان، متن از زبان معیار و شیوا برخوردار باشد تا خواننده را به ادامه مطالعه کتاب برانگیزد.

پیشنهادی چند برای یادگیری بهتر و آسان‌تر

۱. مطالعه پیش از درس و تدریس استاد را فراموش نکنید تا از این رهگذر دریابید که در درس،

- سخن بر سر چیست و با آمادگی و ذهن آشنا با موضوع در درس شرکت جوئید، این امر هم برای شما سود آموزشی دارد و هم برای استاد؛
۲. در یادگیری، فعالانه شرکت جوئید، به این ترتیب که در درس، تنها شنونده‌ای نیک نباشید بلکه پرسنده‌ای هوشیار و جویا نیز باشید تا استاد را در تدریس به وجد آورید. همیشه از داشتن فضای آموزشی مرده که در آن، استاد می‌گوید و شاگرد می‌نگرد و به همه چیز می‌اندیشد مگر آنچه استاد می‌خواهد، به‌راستی تن زنید؛
۳. اهداف کلی کتاب را به‌دقت مطالعه کنید. این هدف‌ها ناظر بر انتظارات آموزشی و فعالیت‌های یادگیری در این کتاب است و مطالعه آنها می‌تواند شما را کمابیش رهنمون شود که در این کتاب باید در پی چه باشید؛
۴. هدف‌های رفتاری هر فصل را نیک مطالعه کنید تا دریابید که پس از مطالعه هر فصل چه تغییر رفتاری از شما امید می‌رود؛
۵. پیش از مطالعه جدی و واکاوانه هر فصل، آن را سردستی مطالعه و به‌اصطلاح مرور کنید تا شمایی کلی از بحث در ذهنتان جان بگیرد؛
۶. چکیده هر فصل را که ناظر بر جنبه‌های کلیدی فصل است به‌دقت مطالعه کنید؛
۷. پس از درس استاد، در نخستین فرصت فراهم آمده، به مطالعه درس روز پردازید تا آنچه را در محیط آموزشی فراگرفته‌اید از یاد نبرید؛
۸. آنچه را آموخته‌اید با دوستان تحصیلی خود مباحثه کنید. این کار در یادگیری عمیق و ماندگار، بسیار کارساز است؛ وانگهی قدرت بیان و شجاعت ادبی شما را آشکار و پرورده می‌کند؛
۹. برای عینیت بخشیدن به فعالیت‌های یادگیری شما، پرسش‌هایی چند در پایان هر فصل آورده شده است؛ بکوشید به آنها پاسخ دهید. جا دارد برای یادگیری بیشتر و بهتر، با دوستانتان و به‌صورت گروهی به این کار پردازید.
۱۰. به یاد دارید که سعدی گفته است:

آرزومند کعبه را شرط است که تحمل کند نشیب و فراز

پس در میدان علم، چون گوی، سر از پا شناسید و تا می‌توانید بخوانید و بخوانید، تا در سپهر دانایی ثریا شوید و به چوگان دانش، گوی سعادت برید و ناز بر فلک و حکم بر ستاره کنید.

بهروز رفیعی

۱۳۹۳/۱/۲۶

هدف‌های کلی کتاب

۱. آشنایی اجمالی با اهمیت پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
۲. شناخت کوتاه فلسفه‌های تربیتی غرب و انتقادهای وارد شده بر آنها
۳. آشنایی اجمالی با طبیعت انسان در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
۴. شناخت نسبی هستی‌شناسی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
۵. دریافت اجمالی نظریه شناخت در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
۶. آشنایی کوتاه با نظریه ارزش‌ها در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
۷. شناخت اجمالی کاستی و نامرادی فلسفه‌های تربیتی در غرب
۸. توانایی نسبی مقایسه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی با برخی فلسفه‌های تربیتی غرب
۹. پرورش نسبی مهارت پژوهش در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

بخش اول

اهمیت پژوهش در فلسفه تربیت اسلامی

فصل اول

مفهوم و محتوا و جایگاه فلسفه تربیت

هدف‌های رفتاری

- امید می‌رود خواننده پس از مطالعه این فصل بتواند:
۱. بگوید فلسفه تربیت را بر چند اساس تعریف کرده‌اند.
 ۲. فلسفه را تعریف کند.
 ۳. بیان کند در این متن تربیت چگونه تعریف شده است.
 ۴. فلسفه تربیت را تعریف کند.
 ۵. جایگاه فلسفه تربیت را در فعالیت تربیتی بیان کند.
 ۶. نسبت فلسفه را با فلسفه تربیت اسلامی بیان دارد.
 ۷. آبخشور فلسفه تربیت اسلامی را شرح دهد.

۱. تعریف فلسفه تربیت

فلسفه تربیت، از مفاهیمی است که بر تعریفی یگانه از آن همداستانی دست نداده است؛^۱ با این حال، بسیاری کوشیده‌اند آن را تعریف کنند. در اینجا به واگفت دو تعریف از تعاریف فراوان موجود، بسنده می‌کنیم. شالوده تعریف نخست اعتقاد به نیازمندی فلسفه تربیت به فلسفه است؛ و بن‌مایه تعریف دوم، باور بی‌نیازی فلسفه تربیت از فلسفه است:

الف) تعریفی که براساس اعتقاد به ارتباط میان فلسفه با فلسفه تربیت پی‌نهادده‌اند. در این دیدگاه، برای تعریف فلسفه تربیت، نخست باید معلوم داشت که مفهوم فلسفه چیست و معنای تربیت کدام است:

۱. الرشیدی، الموسوعة العلمية للتربية، ص ۴۴۱.

۱. فلسفه: این واژه بر دو گونه فعالیت دلالت دارد:
- الف) تجزیه و تحلیل که هدفش شناخت مطالب و تبیین اندیشه‌ها و ایجاد داشت و برداشتی روشن و دقیق از معانی است؛
- ب) تلاش برای دستیابی به نظریه‌ای روشن و دقیق در پنج حوزه: ماورای طبیعت، طبیعت، انسان، شناخت، ارزش‌ها.
۲. تربیت: تربیت یعنی فعالیت عملی دارندگان علوم و معارف برای انتقال دانش و اخلاق و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر.
- بر پایه این دو تعریف، فلسفه تربیت را می‌توان چنین تعریف کرد:
- فلسفه تربیت یعنی تجزیه و تحلیل فعالیت‌های تربیتی و کوشش برای برپایی پیوند میان آنها با ماورای طبیعت و طبیعت و انسان و شناخت و ارزش‌ها.
- ب) تعریفی که بر پایه باور بی‌نیازی فلسفه تربیت از فلسفه صورت بسته است. سازگار با این بینش، فلسفه تربیت، دانشی است که در پی واکاوی هدف‌های نهائی تربیت است. این دانش، روش‌های پژوهش و شیوه‌های تربیتی برآورنده این هدف‌ها را وامی‌کاود و معیارهایی را که براساس آنها درباره این مسائل داوری می‌کنند، بازمی‌شکافد؛ سپس سازگار با این امور، میان فراگیر با محیط، ارتباط برقرار می‌کند.^۱

۲. محتوای فلسفه تربیت

فلسفه تربیت – بنا بر توافقی که بر تعیین چارچوب کلی آن وجود دارد – به کندوکاو در مقولات زیر می‌پردازد:

۱. پژوهش در طبیعت انسان،^۲ تا از این رهگذر، تربیت او سازگار با قوانین حیات وی صورت پذیرد.^۳

۲. کندوکاو در روابط انسان با شش موضوع در پی:

– آفریدگار – طبیعت

۱. نیز بنگرید به صفحه ۱۶ همین کتاب.

2. Human Nature.

3. Thompson, Thompson, Keith, Education and Philosophy, Oxford, Basil Black Well, Keit, 1977, pp. 18–27.

– دیگر انسان‌ها – زندگی

– آخرت – خود^۱

یعنی همان اموری که فیلسوفان تربیت آنها را هستی‌شناسی^۲ نامیده‌اند؛

۳. روش‌های شناخت این روابط که به آن معرفت‌شناسی^۳ گویند؛

۴. کاوش در معیارهایی که بر این روابط حاکم است؛ یعنی همان ارزش‌شناسی^۴.

۳. جایگاه فلسفه تربیت در فعالیت تربیتی

در فعالیت تربیتی، جایگاه نخست از آن فلسفه تربیت است؛ زیرا، از سویی، مبانی فلسفی، اهداف، اصول، برنامه درسی، روش‌ها، ابزارهای آموزشی، ارزیابی و... هر سامانه تربیتی از فلسفه تربیتی آن سرچشمه می‌گیرند؛ از سوی دیگر، میزان درستی و کارایی این مؤلفه‌های تربیتی به تراز و تابع درستی و کارایی همان فلسفه تربیتی‌ای است که از آن برخاسته‌اند. توجه به مثال زیر مطلب را روشن‌تر می‌کند:

همه فلسفه‌های تربیتی، سازوار با نوع مبانی اعتقادی خود درباره: خدا، پیدایش هستی، چگونگی زندگی انسان، نوع روابط انسان با دیگران، شکل بهره‌گیری انسان از طبیعت، ارزش‌ها و سرنوشت انسان، برای تحقق بقای نوع بشر و تعالی آن می‌کوشند. روشن است که اختلاف دیدگاه درباره این مفاهیم پی‌نهادی، به تفاوت در برداشت مفهوم بقا و تعالی بشر می‌انجامد. برای مثال، اسلام بقای نوع بشر و تعالی آن را دارای دو مرحله می‌داند که کامل‌کننده یکدیگرند: زندگی این جهانی که مرحله آماده‌سازی است؛ زندگی آن جهانی که مرحله بهره‌برداری و جاودانگی انسان و نهایت تعالی اوست؛ حال آنکه شماری از فلسفه‌ها و باورها، یا از اساس با مفاهیمی چون: خدا و آفرینش الهی و رستاخیز و... بیگانه‌اند؛ یا با فرض پذیرش مبانی الهیاتی برای هستی و زندگی پسین انسان، از سویی، مرحله دنیا و آخرت را از یکدیگر گسسته‌اند و از سوی دیگر، در اینکه تعالی بشر، در دنیا روی می‌دهد یا در آخرت، با یکدیگر اختلاف فراوان دارند؛ یعنی، شماری از آنها، به بهشت موعود روی آورده‌اند و شماری دیگر، تن‌آسانی در بهشت زمینی را برگزیده‌اند.

۱. در این اثر چونان اصل کتاب کیلانی از رابطه انسان با خود که در قرآن و سنت، سری بس دراز دارد سخن نرفته است.

2. Ontology.

3. Epistemology.

4. Axiology.

۴. نسبت فلسفه تربیت اسلامی با فلسفه اسلامی

برای بازشکافت نسبت فلسفه تربیت اسلامی با فلسفه اسلامی، لازم است میان فلسفه چونان روش تفکر، با فلسفه به مثابه مجموعه‌ای از مفاهیم و باورها فرق نهاد؛ توضیح آنکه، فلسفه چونان روش تفکر، به مراحل گفت‌وگفتار و پژوهش و تفکر علمی درباره عناصر هستی می‌پردازد. این امور زیرمجموعه تفکر درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین است که قرآن کریم بارها بدان فراخوانده و آن را از ویژگی‌های افراد دانش‌استوار شمارده است که تفکرشان به جایی می‌انجامد که می‌گویند: «پروردگارا اینها را به‌گزار نیافریده‌ای»؛^۱ اما فلسفه چونان نظام و مجموعه‌ای از مفاهیم و باورها، دربردارنده سامانه‌ای از مفاهیم درباره آفریدگار و انسان و هستی و زندگی و آخرت و خود است. این مفاهیم به اعتبار بشری و غیر و حیانی بودنشان، دستخوش صواب و خطایند و لغزش‌های بسیاری در آنها روی می‌دهد؛ بنابراین، فلسفه تربیت اسلامی با فلسفه به مفهوم نخست ارتباط دارد، اما با فلسفه به مفهوم دوم بی‌ارتباط است؛ پس میان فلسفه با فلسفه تربیت اسلامی هیچ نسبت زایشی وجود ندارد و این از آن برنمی‌آید.

گفتنی است که می‌توان با کندوکاو در فلسفه‌های اسلامی هم – مانند دیگر فلسفه‌ها – در پی تعلیم و تربیت برآمد و از فلسفه مشاء، فلسفه تربیت در فلسفه مشاء، از فلسفه اشراق، فلسفه تربیت در فلسفه اشراق، از حکمت متعالیه، فلسفه تربیت در حکمت متعالیه و از هر فلسفه دیگری که در جهان اسلام پدید آید فلسفه‌ای تربیتی برگرفت؛ این‌دست فلسفه‌های تربیتی، گرچه پایه و پیرنگ اسلامی دارند، فلسفه تربیت اسلامی نیستند، بلکه فلسفه‌هایی تربیتی‌اند که در دامن فرهنگ اسلامی پدیدار شده‌اند. همچنین می‌توان با بازکاوی آثار تربیتی مریبان بزرگ مسلمان، به فلسفه‌هایی تربیتی دست یافت؛ اما بسیار روشن است که چنین فلسفه‌های تربیتی را نمی‌توان به‌الزام فلسفه تربیت اسلامی دانست.^۲

۱. اشاره است به آیه ۱۹۱ سوره آل عمران.

۲. نیز درخور یاد است که برای کشف فلسفه تربیت اسلامی به آرای فیلسوفان مسلمان هم نمی‌توان دل خوش داشت؛ زیرا، فلسفه تربیتی برگرفته از چنین آرای، حتی نماینده فلسفه تربیت نحله فلسفی‌ای که فیلسوفی بدان گرایش دارد یا نماینده آن است هم نیست چه رسد به فلسفه تربیت اسلامی. برای مثال با کندوکاو در آرای ابن‌سینا می‌توان به فلسفه تربیتی دست یافت؛ اما نخست باید اثبات کرد آنچه در این فلسفه تربیتی است مطابق با فلسفه مشاء و برگرفته از آن است؛ اگر چنین مطلوبی به اثبات رسید نعم المطلوب، در غیر این صورت فلسفه تربیتی کشف شده فلسفه سینوی تربیت است نه فلسفه تربیتی مشاء.

۵. آبشخور فلسفه تربیت اسلامی

بنابر آنچه گذشت و نیز از آنجا که منابع پی‌نهادی تربیت اسلامی (قرآن کریم و سیره و سنت معصومان علیهم‌السلام) چارچوب‌های روشن و دقیقی از آنچه که واجب است محتوای فلسفه تربیت اسلامی را از آن بگیرند، پیش رو می‌نهند؛ و به دیگر سخن، چون در متون مقدس اسلامی از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و نیز از روابط انسان با خدا، خود، طبیعت، دیگر انسان‌ها، زندگی، آخرت، که مؤلفه‌های مهم فلسفه تربیت‌اند چنان و چندان که باید یاد کرده‌اند، ناچار برای کشف این مصالح و ریختن شالوده‌ای استوار و برافراشتن سازه عظیم فلسفه تربیت اسلامی بر آن، باید به این متون مقدس روی آورد نه فلسفه اسلامی؛ زیرا گوهر فلسفه اسلامی، سنگینی چنین ساختاری سترگ را بر نمی‌تابد. این ناتوانی از آن روست که فلسفه اسلامی، ماهیتی انسانی و خواه ناخواه دگرگونی‌پذیر و پرنوسان دارد و بسامد تاریخی پرفراز و فرود آن نشان داده است که امروز به دیروز و فردایش نمی‌ماند.

خلاصه فصل

درباره چیستی و تعریف فلسفه تربیت میان اهل نظر همداستانی وجود ندارد. فلسفه تربیت را سازگار با اعتقاد به پیوند فلسفه با تربیت یا بی‌ارتباطی آن دو با یکدیگر تعریف کرده‌اند. فلسفه تربیت را هرگونه تعریف کنند، چارچوب کلی آن شامل گفت‌وگفتار درباره انسان‌شناسی، هستی‌شناسی (بازشکافت روابط شش‌گانه انسان با: آفریدگار، طبیعت، دیگر انسان‌ها، زندگی، آخرت، خود)، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی است. فلسفه تربیت جایگاه نخست را در فعالیت‌های تربیتی دارد و گذشته از بیان مبانی فلسفی تربیت، به شرح و شکافت اهداف، اصول، برنامه درسی، ابزارهای آموزشی، ارزیابی تحصیلی و... هم می‌پردازد. وانگهی میزان درستی و کارایی این مؤلفه‌های تربیتی به تراز و تابع درستی و کارایی فلسفه تربیتی حاکم بر آنهاست. درباره نسبت فلسفه تربیت اسلامی با فلسفه، باید گفت که اگر مراد از فلسفه، گونه‌ای روش تفکر باشد، میان فلسفه و فلسفه تربیت اسلامی ارتباطی هست؛ اما اگر منظور از فلسفه، سامانه‌ای از مفاهیم و باورها باشد، فلسفه تربیت اسلامی از فلسفه بی‌نیاز و آبشخور آن قرآن و سنت است. فلسفه تربیتی‌ای که از هر یک از نحله‌های چندگانه فلسفه اسلامی برگرفته شود، ناگزیر فلسفه تربیتی همان نحله فلسفی است، نه فلسفه تربیت اسلامی.

خودآزمون فصل

۱. فلسفه را تعریف کنید.
۲. تربیت را تعریف کنید.
۳. بر پایه اعتقاد به ارتباط فلسفه با تربیت، فلسفه تربیت را تعریف کنید.
۴. فلسفه تربیت را با فرض بی ارتباطی فلسفه با تربیت تعریف کنید.
۵. چارچوب کلی فلسفه تربیت بر محور چه مفاهیمی می‌گردد؟
۶. در هستی‌شناسی از چه روابطی بحث می‌کنند؟
۷. چرا در فعالیت‌های تربیتی، جایگاه نخست از آن فلسفه تربیت است؟
۸. برای بازشکافت نسبت فلسفه با فلسفه تربیت اسلامی، اشاره شد که فلسفه به دو مفهوم به کار می‌رود، آن دو مفهوم را بیان کنید.
۹. ارتباط فلسفه تربیت اسلامی با فلسفه اسلامی چگونه ارتباطی است، محتوایی یا روش شناختی؟
۱۰. آبشخور فلسفه تربیت اسلامی چیست و چرا؟
۱۱. چرا فلسفه تربیتی برگرفته از فلسفه‌های اسلامی، فلسفه تربیت اسلامی نیست؟

پرسش و پژوهش

۱. بررسی کنید تفاوت تربیت اسلامی با فلسفه تربیت اسلامی در چیست و آیا میان این دو مفهوم مرز مشترکی وجود دارد؟
۲. آیا پذیرفتنی است که برای پژوهش در فلسفه تربیت اسلامی یا دیگر فلسفه‌های تربیتی، میان فلسفه چونان سامانه‌ای از مفاهیم و باورها، با فلسفه به مثابه روش فرق نهاد؟
۳. آیا روش فلسفی پژوهش، معادل استفاده بردن از فلسفه چونان روش است؟
۴. روش تحقیق در فلسفه تربیت اسلامی را با روش تحقیق در تربیت اسلامی مقایسه کنید.
۵. در این فصل، انگاره‌ای تازه از مفهوم هستی‌شناسی ارائه شد، درباره ارتباط این انگاره با انگاره متعارف از هستی‌شناسی تحقیق کنید.
۶. درباره روایی یا ناروایی برگرفتن فلسفه تربیت از مکاتب کلامی و عرفانی و اخلاقی در فرهنگ اسلامی تحقیق کنید.
۷. وارسید که آیا می‌توان برای تربیتی واحد، چند فلسفه تربیتی داشت؟

منابعی برای مطالعه فزون‌تر

۱. رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، خسرو باقری با همکاری نرگس سجادیه و طیبہ توسلی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.
۲. «ساختار معرفتی فلسفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی: مبنای گروی یا انسجام گروی»، محمدرضا مدنی‌فر و نرگس سجادیه، ارائه شده در سومین همایش فلسفه تعلیم و تربیت ایران، اصفهان.
۳. درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (جلد نخست)، خسرو باقری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
۴. «تأملی بر رویکرد و روش فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در کتاب درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران»، علی لطفی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، س ۷، ش ۱۴، ص ۱۴۱-۱۶۴.
۵. «پاسخی به نقد کتاب درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران»، نرگس سجادی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، س ۸، ش ۱۶، ص ۱۸۵-۲۱۴.
۶. نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، میرعبدالحسین نقیب‌زاده، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۹۱.
۷. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، تهران: وزارت آموزش و پرورش-دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها، ۱۳۶۸.
۸. منطق تربیت: تحلیل مفهوم تربیت از نگاه فلسفه تحلیلی، پل هیوود هرست و ریچارد استنلی پیترز، ترجمه فرهاد کریمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۹. آموزش به مثابه پرورش (به بهانه طرح تلفیق)، عبدالعظیم کریمی، تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۱.
۱۰. فلسفه‌های مضاف، به کوشش عبدالحسین خسروپناه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۱. «فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز»، سعید بهشتی، در فلسفه‌های مضاف (جلد دوم)، به کوشش عبدالحسین خسروپناه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۲. تبیین رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت، مهدی سجادی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۱۳. فلسفه آموزش و پرورش، فیلیپ جی اسمیت، ترجمه سعید بهشتی، مشهد: آستان قدس رضوی انتشارات به‌نشر، ۱۳۷۰.

١٦ درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی «رویکرد تطبیقی»

١٤. آموزش فلسفه، محمدتقی مصباح یزدی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ١٣٨٨.
١٥. فلسفه التربية الإسلامية، عمر التومى الشیبانی، طرابلس (لیبیا)، المنشأة العامة، ١٩٨٥.
١٦. فلسفه التربية الإسلامية فی القرآن والسنة، عبد الحمید الزنتانی، تونس: الدار العربية للكتاب، ١٩٩٣.
١٧. منهج التربية فی التصور الإسلامی، علی احمد مدکور، بیروت: دار النهضة العربية، ١٤١١.
١٨. فلسفه التربية فی القرآن والسنة، احمد عمر، دمشق: الدار المکتبی، ١٤٢٠.
١٩. المنهاج الدراسي اسسه وصلته بالنظرية التربية الإسلامية، عبد الرحمن صالح عبدالله، الرياض: مرکز الملك فیصل للبحوث والدارسات الإسلامية، ١٤٠٥.

فصل دوم

بی‌ثباتی مفهوم فلسفه تربیت در پژوهش‌های غرب

هدف‌های رفتاری

امید می‌رود خواننده پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. گوشه‌ای از فعالیت‌های یونسکو را در ۱۹۷۰ برای بازنگری در نظام‌های آموزشی جهان بازگوید.
۲. علت بی‌ثباتی فلسفه‌های تربیتی غرب را بیان دارد.
۳. فلسفه تربیتی ایدئالیسم را اندکی شرح دهد.
۴. فلسفه تربیتی رئالیسم را کمابیش بازشکافد.
۵. از پس شرحی کوتاه درباره فلسفه تربیتی پراگماتیسم برآید.
۶. علت حقیقی و صوری چالش را میان سه فلسفه تربیتی پراگماتیسم و رئالیسم و ایدئالیسم بگوید.
۷. تلاش‌های غرب را برای وارheidن از بحران در فلسفه تربیت بیان کند.
۸. بگوید از سه فلسفه اصلی تربیتی چه فلسفه‌های تربیتی دیگری پدید آمده است.
۹. انتقادهایی را که به فلسفه تربیتی ایدئالیسم کرده‌اند بازگوید.
۱۰. انتقادهایی را که به فلسفه تربیتی رئالیسم کرده‌اند بیان دارد.
۱۱. انتقادهایی را که از فلسفه تربیتی پراگماتیسم پیشرفت‌گرایی شده است بازگوید.
۱۲. انتقادهایی را که به فلسفه تربیتی بازسازی‌گرایی کرده‌اند برشمارد.

سازمان یونسکو^۱ در آستانه سال ۱۹۷۰ کمیسیونی تشکیل داد با عنوان «کمیسیون بین‌المللی توسعه تعلیم و تربیت». کار این کمیسیون، که به ریاست ادگار فور^۲ (۱۹۰۸-۱۹۸۸)

1. unesco.

2. Edgar Foure.

تشکیل شد، بررسی چند و چون نظام‌های آموزشی حاکم بر کشورهای جهان بود تا از این رهگذر زمینه بازنگری فراگیر در این نظام‌ها فراهم گردد. کمیسیون از ۲۳ کشور دیدن کرد و با پژوهش‌های یونسکو در ۲۵ سال گذشته آشنا شد و ۸۱ پژوهش را که در کشورهای گوناگون شده بود بررسیید.

براساس گزارش رسمی کمیسیون یاد شده که در سال ۱۹۷۲ در اختیار اعضای یونسکو نهاده شد تا برای ایجاد نظام‌های تربیتی تازه و ساختن سامانه‌های تربیتی سازگار با فلسفه‌های تربیتی جدید، راهنمای آنها باشد، نظام تربیتی حاکم بر کشورهای پیشرفته، همیشه یا باری در بیشتر موارد، جنبه‌ای دوگانه دارد:

الف) به تدریس مقدمات فناوری در آموزش توجه دارد؛

ب) در پی پرورش گروه‌های اجتماعی نخبه است.

کشورهای عقب‌مانده، همین نظام را با همان ویژگی‌ها به محیط بومی خود وارد می‌کنند. این نظام، عیبی دیگر نیز دارد و آن ناسازگاری با فضای فرهنگی و محیط اجتماعی و انسانی کشورهای پذیرنده است.^۱

۱. پیدایش فلسفه‌های تربیتی معاصر

از بررسی فلسفه‌های تربیتی حاکم بر نظام‌های تربیتی غرب، برمی‌آید که گمراهی و بی‌ثباتی این فلسفه‌ها برخاسته از انگاره کلیسایی آنها از انسان و طبیعت و زندگی است. این انگاره، جنبه عقلانی فلسفه تربیتی‌ای را پدید آورد که فعالیت‌های تربیتی آن دوره و دیار را رهبری می‌کرد.^۲ با بالا گرفتن رویارویی اصحاب کلیسا با دانشمندان علوم طبیعی، از حوزه و تراز نفوذ کلیسا کاسته و جسته‌جسته احساس شد باید در پی روشی تازه در تربیت برآمد. این احساس نیاز، به پیدایش دو مکتب در فلسفه تربیت انجامید:

الف) مکتب ایدئالیسم^۳ که پیشینه و پی‌نهادهای آن به روزگار افلاطون باز می‌گردد. این مکتب را با توجه به انگاره‌اش از انسان، به دو شاخه تقسیم می‌کنند: براساس شاخه نخست:

۱. پتروفسکی و دیگران، آموختن برای زیستن، ص ۴۰.

2. Cremin, Lawrence, A., American Education: The Colonial Experience 1607-1783, New York, Harper and Row Publishers, 1970, pp.333-356.

3. Idealism.

۱. انسان از جسم و عقل برآمده است؛

۲. والاترین بخش در انسان عقل اوست؛

۳. کار تربیت پروردن عقل است؛

و براساس شاخه دوم:

۱. انسان ترکیبی است از عقل و روح و بدن؛

۲. بالاترین عنصر در انسان روح است؛

۳. کار تربیت پرورش روح است.

از این‌رو، روش تربیتی فلسفه تربیتی ایدئالیسم، القای اندیشه، پرورش تفکر و رشد ارزش‌های معنوی است.^۱

ب) مکتب رئالیسم^۲ که سرآغاز آن به دوران ارسطو^۳ (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) باز می‌گردد. در سده سیزدهم، تلاش‌های توماس آکوئیناس^۴ (۱۲۲۵-۱۲۷۴) به گسترش این مکتب انجامید. در دوران معاصر، کسانی چون: مایکل دی مونت^۵ (۱۵۳۳-۱۵۹۲)، ریچارد مولکاستر^۶ (۱۵۳۱-۱۶۱۱)، جان میلتون^۷ (۱۶۰۸-۱۶۷۴)، گفت‌وگفتار از این مکتب را دوباره پیش کشیدند.^۸ رئالیسم به سه گرایش تقسیم شد:

۱. رئالیسم دینی که اعتقاد دارد ماده و روح، آفریده آفریدگارند و کارکرد منظمی دارند؛

۲. گرایی که خداوند را در تفسیر حقیقت هستی دخالت نمی‌دهد و معتقد است که خداوند و حقیقت هستی به کمال از یکدیگر جدایند؛

۳. گرایی که بر وجود مادی به دور از عقل تأکید می‌کند و معتقد است که عقل، ارتباطی به هستی محسوسات ندارد.

فلسفه رئالیسم رفته‌رفته به فلسفه‌های تربیتی گوناگونی منشعب شد که همگی همدستان

1. Scotter, Richard Van and Others, Foundation of Education: Social Perspective, Englewood Cliffs, N.J. Prentice-Hall, Inc., 1979, pp.44.

2. Realism.

3. Aristotle.

4. Thomas Aquinas.

5. Michel de Montaigne.

6. Richard Mulcaster.

7. John Milton.

8. Howick, William., Philosophy of Western Education, Danville, Illinois, the Institute Printers & Publication, 1971, pp.41-45.

بودند که وجود حقیقی، همان واقعیت مادی است و تربیت باید به کشف قوانین طبیعی حاکم بر ماده و نیز کشف نظم موجود میان مظاهر طبیعت همت گمارد و برای این کار راه‌های علمی و روش منطق و ریاضیات را به کار گیرد. برتراند راسل^۱ (۱۹۷۲-۱۹۷۰) و آلفرد وایتهد^۲ (۱۸۶۱-۱۹۴۷) از نمایندگان این مکاتب گوناگون در عصر جدید می‌باشند.^۳

پس از گذشت زمانی نه چندان کوتاه، فلسفه تربیتی سومی با نام پراگماتیسم^۴ سر برآورد. این فلسفه تربیتی، از زمان چارلز سندرس پیرس^۵ (۱۸۳۹-۱۹۱۴) آغاز شد. سپس، چارلز داروین^۶ (۱۸۰۶-۱۸۸۲)، ویلیام جیمز^۷ (۱۸۴۲-۱۹۱۰) و به فرجام، جان دیویی^۸ (۱۸۵۹-۱۹۵۲) آن را رشد و گسترش دادند. مهم‌ترین منابع مکتوب این مکتب، نوشته‌های چارلز داروین است. پراگماتیسم، پندار و کرداری را درست می‌داند و بر پابندی به آنها تأکید می‌کند، که درخور کاربست و ارزیابی باشند.

در فلسفه پراگماتیسم، عقل به مفهوم الهیاتی آن وجود ندارد، هر چه هست مغز است و فعالیت‌هایش؛ و فرهنگ و هنر و اخلاق، اموری نسبی‌اند. جهان، ماده پویا و پیوسته در تحول است. انسان از راه بازسازماندهی تجربه‌های پیاپی^۹ و سازگاری اجتماعی و سازواری زیست‌شناختی، دنیای خود را می‌سازد. برپایه این فلسفه تربیتی، در تربیت باید بر روش، بیش از مواد درسی تأکید کرد؛ باید به دانش‌آموز، چگونه‌آموختن و تفکر به روش علمی را یاد داد و بر روش علمی و شیوه حل مسئله تکیه کرد.^{۱۰} این شیوه تربیتی، بیش از آنکه بر محور مجموعه حقایق ثابت پیشینی بچرخد بر پایه خواسته‌های دانش‌آموز و مشکلات او می‌گردد.

۲. وقوع چالش میان سه فلسفه اصلی تربیتی

جان دیویی، بر فلسفه ایدئالیسم و رئالیسم به‌تندی تاخت و آن دو را از فلسفه‌های کهنی شمارد که در پی تعلیم و تربیت سنتی پی‌نهاد بر مبنای دگرگونی ناپذیرند. این دو فلسفه، برنامه‌هایی

1. Bertrand Russell.

2. Alfred whitehead.

3. Scotter, Richard Van and Others, Foundation of Education: Social Perspective, Englewood Cliffs, N.J. Prentice-Hall, Inc., 1979, pp.44.

4. Pragmatism.

5. Charles Sanders Peirce.

6. Charles Robert Darwin.

7. William James.

8. John Dewey.

9. Continuous Reconstruction.

10. Scotter, Richard Van and Others, Op. Cit., pp.42-45.